

فصلنامه علمی (مقاله علمی-پژوهشی) جامعه‌شناسی سیاسی ایران، سال سوم، شماره سوم (پیاپی ۱۱) پاییز ۱۳۹۹، صص ۱۱۷۹-۱۱۹۴

بررسی روابط سیاسی - امنیتی جمهوری آذربایجان و اسرائیل و تاثیر آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران (از سال ۲۰۱۱ تا ۲۰۲۰)

عباس شفیعی^۱

زهره پوستین چی^۲ (نویسنده مسئول)

ارسلان قربانی شیخ نشین^۳

حسن خداوردی^۴

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۵/۲۰

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۸/۲۱

چکیده:

اسرائیل، در دکترین سیاست خارجی خود اهمیتی زیادی برای آسیای مرکزی و قفقاز قائل شده است. در بین این کشورها، جمهوری آذربایجان به نسبت دیگر کشورها از اهمیت بیشتری برای اسرائیل برخوردار است. با توجه به این امر، سوال اصلی این گونه مطرح شده است که روابط خارجی اسرائیل با جمهوری آذربایجان در بعد سیاسی و امنیتی چه تأثیری بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران در طی سالهای ۲۰۱۱ تا ۲۰۲۰ داشته است؟ با توجه به سوال اصلی، این فرضیه مطرح شده است که مبنای اصلی همکاری‌های اسرائیل با جمهوری آذربایجان در بعد سیاسی و امنیتی در طی سالهای ۲۰۱۱ تا ۲۰۲۰ گسترش روابط با این کشور در جهت کنش در پیرامون خواهد بود که این امر، امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران را دچار تهدید کرده است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که روابط اسرائیل با جمهوری آذربایجان از سال ۲۰۱۱ تا ۲۰۲۰ در بعد سیاسی به واسطه ی ایجاد پایگاههای جاسوسی و تهدیدهای اطلاعاتی برای جمهوری اسلامی ایران و کاهش نفوذ ایران در منطقه و در بعد نظامی و امنیتی، به واسطه تقویت مناسبات نظامی و امنیتی امنیت ملی کشور را با تهدید اساسی مواجه ساخته است. نوع روش تحقیق در این رساله، توصیفی - تحلیلی و بر مبنای مطالعات کتابخانه‌ای است که سعی می‌شود با استفاده از نظریات موازنه تهدید استیفن والت به تجزیه و تحلیل داده‌ها پرداخته شود.

کلمات کلیدی:

روابط سیاسی، روابط امنیتی، موازنه تهدید، امنیت، امنیت ملی، روابط خارجی

شوشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

^۱ دانشجوی دکتری روابط بین الملل، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران جنوب، تهران، ایران

^۲ دانشیار گروه روابط بین الملل، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران جنوب، تهران، ایران

Postinchi@riau.ac.ir

^۳ استاد گروه روابط بین الملل، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران

^۴ استادیار گروه روابط بین الملل، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران جنوب، تهران، ایران

قفقاز را می توان نقطه عطفی در استراتژی جدید پیرامونی اسرائیل دانست. با توجه به سابقه نسبتاً خوب اسرائیل در منطقه قفقاز و به ویژه جمهوری آذربایجان، یکی از گزینه های قابل قبولی است که می تواند به اسرائیل در رسیدن به اهداف خود کمک کند. در نتیجه اسرائیل به دنبال گسترش روابط خارجی خود با این کشور بوده است.

جمهوری آذربایجان بنا به دلایلی روابط رو به گسترشی با اسرائیل دارد. این تعمیق روابط پیامدهای نظامی نیز دارد، چرا که برخی منابع آگاه به فروش تسلیحات و تجهیزات از جمله موشک های استیگر به اسرائیل اشاره کرده اند. تجهیزات نیروی هوایی جمهوری آذربایجان عمدتاً متکی به سامانه های روسی و در مواردی اسرائیلی است و این کشور حدود ۴۱ فروند هواپیمای جنگنده و ۶۰ هواپیمای بدون سرنشین جاسوسی دارد که عمدتاً در باکو، قبه و مناطق مرزی ایران مستقر هستند که از توانمندی پایین هوایی برخوردار است. (افشردی، ۱۳۸۱، ۲۶۲). این در حالی است که بخش قابل توجهی از ساختار تجهیزات هوایی کشور متکی به روسیه است و جمهوری آذربایجان با جهت گیری به سمت غرب و به ویژه اسرائیل در تلاش است تا نیازهای خود را از آن تامین کند. در این میان، اسرائیلی ها نقش اساسی در سازماندهی ساختار جدید ارتش جمهوری آذربایجان به ویژه نیروی هوایی این کشور داشته اند. دولت جمهوری آذربایجان روی تجهیزات، آموزش و امکانات دریافتی از اسرائیل در جنگ احتمالی آینده اش با ارمنستان حساب ویژه ای باز کرده است. دولت جمهوری آذربایجان به دلیل نگاه ویژه ای که به ایران و روسیه به عنوان یک تهدید دارد، برای رفع ضعف خود در نبود عمق استراتژیک مناسب در برابر این کشورها، روابط خود را با ترکیه و سایر کشورهای غربی گسترش داده و در پی توجیه روابط رو به رشد خود با اسرائیل از این منظر است. در مقاله ی حاضر درصدد هستیم تا روابط سیاسی - امنیتی اسرائیل را با جمهوری آذربایجان در طی سالهای ۲۰۱۱ تا ۲۰۲۰ مورد بررسی قرار داده و تاثیر آن را بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران مورد بررسی قرار دهیم.

چارچوب نظری

چارچوب نظری این مقاله، مبتنی بر نظریه موازنه تهدید استیفن والت می باشد. نظریه موازنه تهدید در زمینه کلی رئالیسم تدافعی توسط نظریه پرداز معروف استیفن والت ارائه شده است. موازنه در چارچوب نظری والت بر اساس نیاز به ترس شکل می گیرد، نه انباشت صرف قدرت. آنچه تعادل را ایجاد می کند، نیت خصمانه به معنای «تلاش برای جایگزینی قدرت برتر» است. به عبارت دیگر افزایش قدرت چالش برانگیز به تنهایی تعادل ایجاد نمی کند، بلکه ماهیت قدرت کشور در حال افزایش است که این امر تعادل را ایجاد می کند. بنابراین، معادله شامل قدرت و نیت صاحبان قدرت می شود. در تعریف والت، دولت ها به دنبال افزایش قدرت نسبی خود بر سایر دولت ها هستند، در غیر این صورت دولت ها به جایی می رسند که برای جلوگیری از هزینه های غیر ضروری یا شکست، باید با قدرت فزاینده تسلیم یک متجاوز شوند. (دهشیار، ۱۳۹۱، ۲۹۷). والت باور دارد که کشورها بر پایه توازن قوا عمل نمی کنند بلکه توازن تهدید را ملاک قرار می دهند (مصلی نژاد، ۱۳۹۰، ۱۹۷).

استفن والت بر این عقیده است که دولت ها با تهدیداتی مواجه هستند که تعادل ایجاد می کند و همه قدرت های خارجی را تهدید می کند و آنچه به ضرورت تعادل می انجامد، وجود نیت خصمانه و به عبارتی تلاش برای جایگزینی قدرت برتر است. «قدرت بخش مهمی از معادله است، اما تنها عنصری نیست که آن را شکل می دهد، زیرا این معادله شامل قدرت و نیت صاحبان قدرت می شود. (دهشیار، ۱۳۹۱، ۲۹۷ - ۲۹۸). حتی اگر دولتی که بدون آگاهی از نیت

و توانایی های رقباى خود تنها به دنبال بقاى خود است، نمى تواند استدلال کند که تهدیدى وجود دارد و باید در برابر آن تعادل ایجاد کرد. بنابراین، این تهدیدها به همان اندازه که توانایی های آنها را در بر مى گیرد، شامل نيات آنها نیز مى شود. به عنوان مثال، رفتار ایالات متحده با سایر متحدانش با تسلیحات هسته ای بریتانیا یا فرانسه با کره شمالی (حتى ایران) کاملاً متفاوت است. (برچیل و لینکلتر، ۱۳۹۵، ۶۲). مطالعات والت، که بر روند اتحادها و اتحادهای قرن بیستم متمرکز است، ثابت کرد که ملت ها علیه قدرت نیستند، بلکه علیه تهدیدی هستند که متعادل کرده اند. هدف آنها ایجاد شرایط لازم برای ثبات، امنیت و تعادل با ایجاد تعادل در برابر کشور (های) تهدید کننده است. بنابراین عامل اصلی تأثیرگذار بر سیاست خارجی کشورها بر اساس میزان تهدیداتی است که بازیگران رقیب برای افزایش قدرت و امنیت خود به ضرر سایر کشورها ایجاد مى کنند. (مصلى نژاد، ۱۳۹۰، ۱۵۰-۱۴۷).

به گفته والت، میزان تهدید یک کشور به چهار عامل زیر بستگی دارد:

۱- ارزیابی قدرت کشورها، بدیهی است که هر چه قدرت رقیب (متجاوز) بیشتر باشد، خطرناکتر است. این قدرت شامل متغیرهای مربوط به توانمندی های مادی کشورها (جمعیت، وسعت، اقتصاد و سایر عوامل ژئوپلیتیکی) است و از عوامل تعیین کننده قدرت کشورها به شمار مى رود.

۲. مجاورت جغرافیایی، این مورد تأکید مى کند که هر چه بازیگر رقیب نزدیکتر باشد، خطر آن بیشتر است. از نظر والت، هر چه تهدید نزدیکتر باشد، درک آن برای کشورها ملموس تر است.

قابلیت تهاجمی والت بر این باور است که کشورهایی با قابلیت های نظامی تهاجمی گسترده تر از نیروهای نظامی که در درجه اول برای دفاع از قلمروشان مناسب هستند، خطرناک تر هستند.

این بدان معناست که هر چه توانایی نظامی یک رقیب بیشتر باشد، ریسک او بیشتر است. و احساس نگرانی و تهدید سایر بازیگران نسبت به آن کشور به همان میزان بالا مى رود. بنابراین، سومین شاخص والت از تهدید منطقه ای «توانایی تهاجمی بازیگرانی است که به دنبال برهم زدن تعادل هستند». (مصلى نژاد، ۱۳۹۰، ۱۵۴).

۴- مقاصد (نيات) تجاوز، دولت هایی که قصد تهاجم واضح دارند، بیشتر از آنهایی که در وهله اول به دنبال حفظ وضعیت موجود هستند، تمایل به تحریک مخالفان (قدرت های رقیب) دارند. این را والت بیان مى کند، به این معنی که هر چه نيات بازیگر خصمانه تر باشد، خطر و تهدید خطرناک تر است. (دهشیار، ۱۳۹۱، ۲۹۹). بنابراین بین سطح تهدید و نيات تهاجمی کشورها رابطه مستقیمی وجود دارد و هر چه کنشگر نیت خود را تهاجمی نشان دهد، تهدیدی که از سوی دیگر کشورها درک مى شود بیشتر مى شود.

همکاری های امنیتی - راهبردی جمهوری آذربایجان و اسرائیل

فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی فرصتی طلایی برای اسرائیل فراهم کرد تا گزینه های سیاست خارجی خود را گسترش دهد و در میان کشورهای تازه استقلال یافته به دنبال متحدان جدید باشد. تلاش برای برقراری ارتباط نزدیک و مستحکم با جمهوری آذربایجان و کشورهای مسلمان آسیای میانه که بلافاصله پس از استقلال شکل گرفت، حاصل سیاستی است که سال ها قبل از استقلال این جمهوری ها طراحی شده و در دستور کار دستگاه سیاست خارجی اسرائیل قرار گرفت. (آراس، ۱۹۹۸، ۶۸).

موقعیت خوب جمهوری آذربایجان در شمال مرزهای ایران در هر درگیری احتمالی تهران و تل آویو می توانست اسرائیل را پیروز کند. بنابراین برقراری روابط با جمهوری آذربایجان، هم تعداد کشورهای اسلامی را که با اسرائیل روابط دیپلماتیک دارند افزایش داد و هم به این کشور امکان حضور مستقیم در مرزهای ایران را داد.

با نگاهی به روند روابط و نوع روابط دو کشور می توان به تأثیر ایران هراسی دو کشور در سوق دادن روابط خود به سمت روابط نظامی-امنیتی پی برد. روابط دو کشور در ابتدا بیشتر حول محور روابط فرهنگی-اقتصادی می چرخید، اما بعدها ترس دو کشور از ایران بیشتر شد. در سال ۱۹۹۶ ایران متهم به حمایت از حزب اسلامی جمهوری آذربایجان شد و حتی الهام علی اف به رهبران ایران در مورد تلاش برای نفوذ مذهبی در جمهوری آذربایجان هشدار داد. با افزایش فعالیت های هسته ای ایران، توانایی ایران در ساخت موشک های دوربرد و ترس اسرائیل از قدرت گرفتن ایران به دلیل اختلافات دیرینه آنها (پس از پیروزی انقلاب اسلامی و سخنرانی های رهبران ایران و بعدها رئیس جمهور ایران احمدی نژاد در مورد جهان بدون اسرائیل) و البته جمهوری آذربایجان از ایران به دلیل اختلافاتشان بر سر رژیم حقوقی دریای خزر، فعالیت های مذهبی ایران در جمهوری آذربایجان و روابط گسترده آن با ارمنستان (دشمن اصلی جمهوری آذربایجان) و مانند آن - این دو کشور برای همکاری و گسترش روابط به مسائل امنیتی-نظامی روی آوردند. جمهوری آذربایجان به دلیل اختلافاتی که با ایران دارد، با کمک اسرائیل به دنبال تقویت حضور نظامی خود در دریای خزر است و همراه با اسرائیل به دنبال متعادل کردن تهدید مشترک خود است. نائیه، سفیر وقت اسرائیل در آذربایجان، برای درک تأثیر احساس تهدید مشترک دو کشور برای یکدیگر گفت: «همسایگان خطرناک و تاریخ و تاریخ سرکوب، اسرائیل و جمهوری آذربایجان را متحدان طبیعی کرده است». او گفت: «کشورهایی که دوستان زیادی ندارند، تمایل دارند یکدیگر را پیدا کنند. (کولایی و رضازاده، ۱۳۹۲، ۲۷-۲۶).

همکاری اطلاعاتی و امنیتی در روابط جمهوری آذربایجان و اسرائیل از اهمیت حیاتی برخوردار است. در اکتبر ۲۰۰۱، دیداری بین حیدر علی اف و سفیر وقت اسرائیل در جمهوری آذربایجان برگزار شد و دو طرف تأکید کردند که مواضع آنها در قبال گروه های تروریستی مشابه است. تبادل اطلاعات، تحلیل اطلاعات از جمله اطلاعات ماهواره ای و آموزش سرویس های اطلاعاتی و امنیتی جمهوری آذربایجان از جمله زمینه های همکاری امنیتی دو کشور است. یکی از اولویت های اسرائیل در همکاری امنیتی با جمهوری آذربایجان، مبارزه با شبکه اطلاعاتی ایران در کشورهای تازه استقلال یافته آسیای مرکزی و قفقاز به ویژه جمهوری آذربایجان است. در سال ۲۰۰۷، مقامات آذربایجان مدعی شدند که ۱۵ نفر را که جاسوسان ایران بوده و اطلاعاتی درباره فعالیت های اسرائیل و غرب جمع آوری می کردند، دستگیر کرده اند.

به عنوان بخشی از همکاری های نظامی و امنیتی، مراکز جمع آوری اطلاعات الکترونیکی توسط اسرائیل در امتداد مرزهای ایران و جمهوری آذربایجان در دهه ۱۹۹۰ ایجاد شد و در سال ۲۰۱۱ اسرائیل شروع به فروش پهپادهای پیشرفته به جمهوری آذربایجان کرد. طی سال های گذشته، ایران بارها نسبت به فعالیت های جاسوسی و خرابکاری مشترک توسط عوامل موساد با استفاده از خاک جمهوری آذربایجان علیه ایران هشدار داده است.

در فوریه ۲۰۱۲، ایران اعلام کرد که جمهوری آذربایجان به ماموران اطلاعاتی اسرائیل در کشورش پناه برده است. افرادی که با گذر از مرز، وارد خاک ایران شده و دانشمندان هسته ای ایران را ترور کردند (جوادی ارجمند و دیگران، ۱۳۹۳، ۷۱).

به نظر می‌رسد هدف اصلی اسرائیل از همکاری اطلاعاتی و نظامی با باکو، نظارت و در نهایت ضربه زدن به برنامه‌های هسته‌ای و موشکی ایران باشد. از دیدگاه اسرائیل، ایران مهمترین تهدید برای امنیت این کشور است. به همین دلیل اسرائیل استراتژی دیپلماسی فعال برای محاصره ایران را در دستور کار سیاست خارجی خود قرار داده است (خلیفه‌زاده، ۲۰۱۳، ۶۳). بنابراین موقعیت استراتژیک جمهوری آذربایجان در شمال مرزهای ایران انگیزه خوبی برای اسرائیل برای اجرای دستورالعمل محاصره دیپلماتیک فعال ایران فراهم می‌کند.

همکاری اسرائیل و جمهوری آذربایجان در مناقشه قره باغ کوهستانی در سال ۲۰۲۰ نیز استراتژیک بود. با آغاز روند جدید صلح بین اسرائیل و چند کشور عربی خاورمیانه که در سال ۲۰۲۰ توسط ترامپ شکل گرفت، در راستای سیاست خارجی چندجانبه، اسرائیل به عنوان یک بازیگر منطقه‌ای به دنبال ایفای نقش حداکثری در سایر مناطق از جمله می‌باشد. می‌توان گفت آنچه که حرکت اصلی اسرائیل فراتر از روابط دوجانبه اقتصادی-نظامی با جمهوری آذربایجان محسوب می‌شود، تلاش این رژیم برای بازدارندگی ایران است.

نیت ادعایی اسرائیل برای ایفای نقش در بحران قره باغ کوهستانی در سال ۲۰۲۰ با حمایت اطلاعاتی از جمهوری آذربایجان (به عنوان مثال، سرنگونی ۱۳ پهپاد ساخت آذربایجان، از جمله یک پهپاد هرمس ۳۰ میلیون دلاری توسط نیروهای ارمنی در درگیری) (۲۰۲۰) به دنبال ایجاد عمق راهبردی برای تامین منافع امنیتی خود از طریق ایجاد شکاف بین ایران و جمهوری آذربایجان و همچنین ایجاد محیطی امن برای تسهیل روابط گسترده با کشورهای مسلمان خاورمیانه با الگو برداری از جمهوری آذربایجان است. از سوی دیگر حضور اسرائیل در قفقاز جنوبی و به ویژه در مناقشه ارمنستان و جمهوری آذربایجان در سال ۲۰۲۰ که به دلیل همجواری با جمهوری آذربایجان و ارمنستان بر امنیت ارضی و ملی ایران تأثیر مستقیم می‌گذارد. ایجاد تنش قومی-مذهبی در بین ایران و جمهوری آذربایجان و همچنین ایران هراسی - تشیع باعث افزایش نفوذ آن می‌شود. با این حال، نباید فراموش کرد که باکو باید روابط خود با اسرائیل را به دقت متعادل کند تا از فشار تهران، مسکو و حتی آنکارا جلوگیری کند. از دیدگاه تل آویو، موقعیت جغرافیایی جمهوری آذربایجان در مرزهای ایران، آن را به مکانی ایده آل برای جمع آوری اطلاعات استراتژیک تبدیل کرده است.

همکاری‌های سیاسی

یکی از مولفه‌های مهم و تاثیرگذار در روابط سیاسی کشورها تلاش برای افزایش قدرت است. روابط سیاسی اسرائیل و آذربایجان در تلاش برای کسب حداکثر قدرت و مقابله با نفوذ ایران است. برقراری روابط سیاسی با جمهوری آذربایجان برای سیاستمداران اسرائیلی بسیار مهم تلقی می‌شود. زیرا اسرائیل از بدو تأسیس تحت محاصره کشورهای عربی متخاصم بوده و نتوانسته با آنها روابط سیاسی یا توسعه اقتصادی برقرار کند (البته مصر و اردن اخیراً روابط بسیار محدودی با اسرائیل برقرار کرده‌اند). این امر از همان ابتدای تأسیس اسرائیل برای سیاستمداران اسرائیلی روشن بود. به همین دلیل است که در دهه ۱۹۵۰، اولین نخست وزیر اسرائیل، دیوید بن گوریون، به دنبال اتحاد در خاورمیانه بدون حضور کشورهای عربی بود. او نظریه خود را اتحاد پیرامونی نامید که بر این فرض استوار بود که سیاست خارجی اسرائیل باید بر اساس کشورهای همسایه و غیر عرب خاورمیانه باشد. در نظریه خاورمیانه جدید شیمون پرز نیز آمده است که به دلیل درگیری شدید کشورهای عربی مسلمان خاورمیانه با اسرائیل، همکاری سیاسی و اقتصادی با این کشورها ممکن نیست، اسرائیل باید در میانه جدید به دنبال کشورهای غیر عربی باشد. بنابراین

اسرائیل باید از انرژی خود در خاورمیانه جدید که شامل کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز است استفاده کند. بر اساس این نظریه، موفقیت در برقراری روابط با جمهوری آذربایجان نه تنها چهره ضد اسلامی اسرائیل را در جهان از بین می برد و از اتحاد ضد اسرائیلی توسط همه کشورهای مسلمان جلوگیری می کند، بلکه منافع سیاسی-اقتصادی زیادی نیز به همراه خواهد داشت. برقراری روابط سیاسی اسرائیل با جمهوری آذربایجان و سایر کشورهای تازه استقلال یافته و گسترش آنها می تواند تا حدودی گسترش نفوذ متحد استراتژیک اسرائیل یعنی آمریکا را در این مناطق تشدید کند. این رابطه نه تنها می تواند به نفع اسرائیل باشد، بلکه تا حدودی کاهش اهمیت اسرائیل برای ایالات متحده را پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی جبران خواهد کرد.

پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و ظهور جمهوری های جدید در آسیای مرکزی و قفقاز، اسرائیل تلاش های گسترده ای را برای اعمال نفوذ سیاسی در منطقه آغاز کرد. کشورهای توسعه یافته منطقه نیز از همکاری با اسرائیل برای توسعه روابط سیاسی استقبال کردند.

آویگدور لیبرمن، وزیر امور خارجه وقت رژیم صهیونیستی در ۲۳ آوریل ۲۰۱۲ به مناسبت بیستمین سالگرد برقراری روابط دیپلماتیک با جمهوری آذربایجان به این کشور سفر کرد و در دیدار با خبرنگاران گفت که در دیدار با الهام علی اف، رئیس جمهور جمهوری آذربایجان روابط دوجانبه و موضوع ایران را مورد گفت و گو قرار داده است. او اضافه کرده است، «روابط با جمهوری آذربایجان از این بهتر نمی تواند باشد. این روابط بر پایه اعتماد و سودمند هستند» (رفعت نژاد و دیگران، ۱۳۹۴، ۱۲۹).

در همین راستا مقامات جمهوری آذربایجان با وجود موانعی که در برقراری روابط دیپلماتیک با رژیم صهیونیستی وجود دارد، سفرهای متعددی به این کشور داشته اند که از مهمترین آنها می توان به سفرهای دیپلماتیک وزیر توسعه اقتصادی، وزیر امور خارجه، وزیر شرایط اضطراری، وزیر محیط زیست در سال ۲۰۰۷، وزیر حمل و نقل، ارتباطات، اطلاعات و فناوری در سال ۲۰۰۸، دیدار علی اف، مشاور نظامی و امنیتی رئیس جمهور جمهوری آذربایجان در سال ۲۰۰۹؛ دیدار ناظم ابراهیم اف، رئیس کمیته دولتی روابط و همکاری با آذربایجانی های خارج از کشور؛ پاشایوا عضو مجلس ملی در سال ۲۰۱۱ اشاره کرد (فیروزی، ۱۳۹۰، ۹۴-۹۳).

در این زمینه اتحاد راهبردی بین اسرائیل و برخی کشورهای تازه استقلال یافته به ویژه جمهوری آذربایجان علیه نفوذ احتمالی و بالقوه ایران ایجاد شد. اسرائیل با استراتژی اتحاد و ائتلاف خود به دنبال تضعیف کنترل کامل ایران بود. آنها سیاست جلوگیری از هژمونی ایران در منطقه را در پیش گرفتند. حضور ۲۰۰ هزار یهودی به عنوان لابی گر و گروه بانفوذ مانع از مواضع سیاسی و اقتصادی جمهوری های مسلمان منطقه علیه اسرائیل می شود. (محمدی الموتی، ۱۳۸۵، ۱۰۰).

یکی دیگر از تقابل های آشکار استراتژی های منطقه ای جمهوری اسلامی ایران و رژیم صهیونیستی مربوط به حضور مبهم و برنامه ریزی شده اسرائیل در باکو و تعمیق روابط دوجانبه با جمهوری آذربایجان تا سطح روابط راهبردی است. صرف نظر از تلاش اسرائیل برای افزایش حضور خود در بخش ها و مناطق مختلف جمهوری آذربایجان به منظور جلوگیری از حضور موثر ایران، راهبردهای مختلفی با هدف برنامه ریزی برای آینده که نگرانی ها را دوچندان می کند و منافع حیاتی جمهوری اسلامی ایران را هدف قرار می دهد. . . به نظر می رسد اسرائیل با راهبردهای مختلف شیعه ستیزی، ضد ایرانی، فرهنگی، اقتصادی، قومیتی، رسانه ای و... سعی دارد حضور ضعیف ایران در باکو را جز در رابطه با منافع همسایگی متزلزل تر کند.

همزمان با حضور گسترده فرهنگی، سیاسی و نظامی-امنیتی رژیم صهیونیستی در جمهوری آذربایجان، شاهد افزایش تسلیحات باکو به بهانه مناقشه قره باغ، تقویت شعارها و احساسات جدایی طلبانه از جمله طراحی و انتشار شعارها و برنامه‌ها حرکت نیروهای ضدانقلاب و ضد ایرانی، عدم دسترسی نظامی و اعطای فضا و پایگاه‌های احتمالی نظامی و جاسوسی به رژیم صهیونیستی که طبیعتاً در تقابل آشکار با صلح و توسعه است.

از سوی دیگر، اسرائیل در بعد سیاسی از گسترش روابط با جمهوری آذربایجان اهدافی را مدنظر قرار دارد. استراتژی رژیم صهیونیستی در توسعه روابط با کشورهای منطقه و به خصوص جمهوری آذربایجان را می‌توان در قالب سیاست‌های کلی این رژیم از ابتدای شکل‌گیری تاکنون تعریف کرد. در بیان ساده این سیاست می‌توان نظر «بن‌گورین» اولین رئیس جمهور رژیم صهیونیستی را مطرح کرد. وی بر اساس «اتحاد پیرامونی» معتقد بود که سیاست خارجی رژیم صهیونیستی باید متکی بر کشورهای پیرامونی و غیر عرب باشد؛ زیرا رژیم صهیونیستی به این سبب که در محاصره کشورهای عرب متخاصم قرار دارد، امکان توسعه روابط سیاسی و اقتصادی با همسایگان خود را ندارد و لذا باید با کشورهای پیرامون مرتبط شود. در نتیجه، این رژیم جهت خلاصی از محاصره و انزوای تحمیل شده از سوی اعراب در دهه ۱۹۵۰ مقدمات شکل‌گیری یک اتحاد با کشورهای پیرامونی غیر عرب نظیر ترکیه، ایران و اتیوپی را پی ریزی کرد و در جهت گسترش روابط با این کشورها گام برداشت.

در سال ۲۰۲۰، مناقشه قره باغ کوهستانی بین جمهوری آذربایجان و ارمنستان نقش مهمی در همکاری جمهوری آذربایجان و اسرائیل داشت. با گسترش روابط اسرائیل و جمهوری آذربایجان، دولت یهود به یک بازیگر مهم خارج از منطقه در قفقاز جنوبی تبدیل شده است. بر اساس استراتژی جدید اسرائیل، «استراتژی جدید پیرامون اسرائیل»، نظریه سیاست خارجی این رژیم بر پایه تشکیل اتحادیه‌هایی برای تامین امنیت است. ایران در این موضوع نقش محوری و مهمی دارد. سطح بالای همکاری نظامی و فنی-نظامی جمهوری آذربایجان و اسرائیل موید این امر است. منافع مختلفی که اسرائیل در آخرین تشدید مناقشه در منطقه قره باغ کوهستانی در سال ۲۰۲۰ دنبال می‌کند، قابل نمایش و تمایز است. اسرائیل در این جنگ نتوانست نیازهای متحد خود (جمهوری آذربایجان) را نادیده بگیرد. تحویل محموله نظامی به جمهوری آذربایجان در طول جنگ ممکن است مربوط به تعهدات مربوط به قراردادهای قبلاً امضا شده یا توافقنامه جدیدی باشد که قبل از آماده شدن جمهوری آذربایجان برای جنگ منعقد شده است. سطح بالای تجهیزات نظامی اسرائیل که به وجود آمده است به طور طبیعی می‌تواند تقاضا را در بازار جهانی افزایش دهد. از سوی دیگر، حادثه قره باغ کوهستانی اولین درگیری گسترده بین دو ارتش عادی در دهه‌های اخیر است. بنابراین، این درگیری فرصتی بی نظیر برای اسرائیل فراهم کرد تا سلاح‌های خود را در جریان درگیری‌های نظامی آزمایش کند. این امر به ویژه در مورد اقدامات مربوط به آمادگی فعال برای پیش‌بینی تشدید اوضاع در "جبهه شمالی" صادق است. همچنین لازم به ذکر است که نتایج جنگ حاکی از آن است که اسرائیل به یکی از ذینفعان این درگیری تبدیل شده است. این نه تنها به این دلیل است که جمهوری آذربایجان برای تحویل تسلیحات نظامی که اکثر آنها در طول جنگ منسوخ شده بودند، قراردادهای جدیدی با اسرائیل منعقد خواهد کرد، بلکه به دلیل چشم‌اندازهای مثبت برای تل‌آویو است. آویو می‌تواند به تقویت حضور وی در جمهوری آذربایجان اشاره کرد که در تقابل غیرمستقیم با تهران از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

به طور کلی برای اسرائیل موفقیت جمهوری آذربایجان در مناقشه قره باغ کوهستانی در سال ۲۰۲۰ فرصت‌ها و شرایط بهتری نسبت به موفقیت طرف ارمنی در منطقه ایجاد می‌کند. بنابراین با وجود موضع مساوی و رسمی، می‌توان در این سناریو از منافع طرف اسرائیلی صحبت کرد. ثانیاً، اگرچه جمهوری آذربایجان نقش مهمی در راهبرد جدید سیاست خارجی اسرائیل دارد، اما سیاست این کشور در قبال باکو در چارچوب تهدیدات فراوانی که علیه ایران (که اساس استراتژی اسرائیل است) تلقی می‌شود. بنابراین همکاری در حوزه‌های استراتژیک جدید به استثنای واردات منابع انرژی و تامین و تحویل تسلیحات هنوز در دستور کار روزانه قرار ندارد.

پیامدهای سیاسی روابط اسرائیل با جمهوری آذربایجان بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران

۱- ایجاد پایگاه‌های جاسوسی و تهدیدهای اطلاعاتی برای جمهوری اسلامی ایران

بر اساس باور بسیاری از تحلیل‌گران مسائل قفقاز، اسرائیل برای مقابله با حضور ایران در لبنان، در این منطقه و به طور ویژه در جمهوری آذربایجان حضور پیدا کرده است. به دنبال روابط دوستانه بین اسرائیل و جمهوری آذربایجان افرام سنه وزیر بهداشت وقت اسرائیل گفت که «اسرائیل در توسعه روابط با جمهوری آذربایجان منافع استراتژیک دارد و جمهوری آذربایجان نیز به همین ترتیب به این رابطه علاقه‌مند است؛ چون این روابط قادر است بنیادگرایی اسلامی برآمده از سوی ایران را ریشه کن کند». در اظهار نظر دیگری لول بر انیس در موافقت با این دیدگاه می‌افزاید، «علاقه جمهوری آذربایجان به اسرائیل یا برعکس، از ترس متقابل آنها از ایران ریشه می‌گیرد. جمهوری آذربایجان علاقه‌مند است که با برقراری روابط با اسرائیل از سوی آمریکا مورد تحسین و تشویق قرار گیرد (کولایی و رضازاده، ۱۳۹۲، ۱۶).

در واقع این اظهارات بیانگر تلقی دو کشور از ایران به عنوان یک تهدید است و به عقیده واقع‌گرایان تدافعی، دولت‌ها در برابر دولت‌هایی که بزرگترین تهدید را تشکیل می‌دهند متحد خواهند شد. اسرائیل و جمهوری آذربایجان نیز روابط بسیار نزدیکی در مواجهه با تهدید ایران برقرار کرده‌اند. در همین راستا اسرائیل در سال ۲۰۰۳ دومین پایگاه داده خود را با هدف جمع‌آوری اطلاعات از ایران و نصب دستگاه‌های نظارتی در جنوب جمهوری آذربایجان راه‌اندازی کرد. برخی نیز معتقدند اسرائیل تجهیزات جاسوسی الکترونیکی را در نزدیکی مرز ایران و دریای خزر در خاک جمهوری آذربایجان نصب کرده است. اسرائیل چندین پایگاه در جمهوری آذربایجان دارد. برخی از این پایگاه‌ها در نزدیکی مرزهای ایران قرار دارند. به عنوان مثال، در پایگاه سیتالکایا، واقع در ۵۰ کیلومتری شمال باکو - که جزئیات آن به تازگی توسط مجله فارین پالیسی فاش شده است - اسرائیل در حال نصب سیستم‌های راداری برای رهگیری موشک‌های بالستیک و پهپادها است.

در پی اعمال تحریم‌های گسترده علیه ایران و افزایش احتمال حمله اسرائیل به ایران، تل‌آویو به دنبال ایجاد پایگاه‌هایی در مرز شمالی ایران در خاک جمهوری آذربایجان است. به گزارش رویترز، آویگدور لیبرمن وزیر امور خارجه رژیم صهیونیستی در ۲۳ آوریل ۲۰۱۲ به مناسبت بیستمین سالگرد برقراری روابط دیپلماتیک با جمهوری آذربایجان به آذربایجان سفر کرد. وی به خبرنگاران گفت که با الهام علی‌اف رئیس‌جمهور آذربایجان برای گفتگو در مورد روابط دوجانبه و موضوع ایران دیدار کرده است. پس از ورود لیبرمن به باکو، گزارش‌هایی مبنی بر استفاده اسرائیل از فرودگاه آذربایجان در جمهوری آذربایجان برای حمله احتمالی به ایران منتشر شد. البته الهام علی‌اف این خبر را تکذیب کرد (فرانکل، ۲۰۱۲، ۴۱). لازم به یادآوری است که وی در حالی این خبر را تکذیب می‌کند که از سوی پایگاه تحلیلی فارین پالیسی آمریکا منتشر شده بود. مجله فارن پالیسی در ۲۸ مارس ۲۰۱۲ در گزارشی به قلم مارک

پری، نویسنده و تاریخ نگار امریکایی نوشت که اسرائیل این اجازه را یافته که به پایگاه‌های هوایی جمهوری آذربایجان دسترسی پیدا کند.

اسناد طبقه بندی شده ویکی لیکس که در آوریل ۲۰۱۱ منتشر شد همچنین نشان می دهد که اسرائیل در چهار سال گذشته از ایران از خاک خود جاسوسی کرده است (ایراس، ۹۱/۳/۷) گسترش روابط جمهوری آذربایجان و اسرائیل منجر به این شده است که در سال ۲۰۱۲ مقامات ایرانی اعلام کردند که دولت جمهوری آذربایجان به عوامل موساد اجازه جاسوسی و جمع آوری اطلاعات در مرزهای ایران را می دهد. مقامات ایرانی بارها نسبت به روابط دوستانه جمهوری آذربایجان و اسرائیل ابراز نگرانی کرده و دولت جمهوری آذربایجان را به همکاری با جاسوسان و تروریست های اسرائیل متهم کرده اند. رسانه های گروهی ایران از جاسوسی اسرائیل از طریق جمهوری آذربایجان خبر می دهند (کولایی و رضازاده، ۱۳۹۲، ۱۸).

همچنین یکی از راهبردهای اسرائیل در جهت جاسوسی از ایران، ایجاد شرکتهای وابسته و فعالیت آن در جمهوری آذربایجان برای جاسوسی از ایران است. به عنوان مثال، در سال ۱۳۹۹ (۲۰۱۹) در پی انتشار خبرامضای قرارداد راه سازی مهمی بین دولت جمهوری آذربایجان و یک شرکت به ظاهر عمرانی رژیم صهیونیستی، برخی از رسانه های آذری با انتشار سوابق این شرکت، آن را وابسته به شبکه جاسوسی رژیم صهیونیستی موساد معرفی کردند. بر اساس این قراردادها که با بانک های «ام بی ان پی پاری باس» فرانسه، «لیومی لسراییل بی ام» و بانک «هاپوآلیم بی ام» اسرائیل به امضا رسید، وزارت حمل و نقل جمهوری آذربایجان ۲۷۰ میلیون دلار اعتبار از همین موسسات مالی دریافت کرد. سفارت اسرائیل در جمهوری آذربایجان نیز این قرارداد را «تاریخی» نامیده و اعلام کرده است که دولت اسرائیل از نفوذ خود برای اختصاص اعتبار از سوی بانک اسرائیلی برای جاده سازی در جمهوری آذربایجان استفاده کرده است. سفارت اسرائیل همچنین قرارداد مزبور را نشان دهنده اعتماد اسرائیل به اقتصاد جمهوری آذربایجان تعبیر کرده است. این نخستین باری است که بانک های اسرائیلی به جمهوری آذربایجان اعتبار اختصاص می دهند و قراردادی برای اجرای چنین طرح بزرگی در این کشور منعقد می کنند. اغلب شرکت های اسرائیلی فعال در خارج از مرزهای این رژیم با سرویس جاسوسی موساد مرتبطند. بررسی های انجام شده نشان می دهد شرکت اسرائیلی «شول بوهن اینترناشنال» که ۳۴۰ میلیون دلار در یک طرح زیرساختاری در جمهوری آذربایجان سرمایه گذاری کرده است نیز به نحوی با سازمان موساد در ارتباط است. بر اساس اطلاعات مربوط به این شرکت، شرکت مذکور تحت عنوان «باتز» در سال ۱۹۲۱ میلادی توسط ژنرال هیستادروت تاسیس و سپس به «شول بوهن» تغییر نام داده است. احداث پایگاه های نظامی، مراکز مخفی و ساختمانهای استراتژیک برای ارتش اسرائیل نیز توسط همین شرکت انجام شده است. این شرکت در سال ۱۹۸۹ شرکت دیگری بنام «هاوسینگ اند کانستروکشن» خریده است (دویچه وله، ۲۰۲۰).

۲- کاهش نفوذ ایران در منطقه

یکی دیگر از اهداف حضور اسرائیل در جمهوری آذربایجان، مقابله با گسترش نفوذ ایران و جلوگیری از ایجاد نظم در مناطق مطلوب ایران در منطقه قفقاز است. برای این منظور، تل آویو اغلب ایران را به عنوان تهدیدی برای امنیت ملی، سیستم حکومتی و ثبات داخلی دولت های منطقه معرفی می کند و خطر گسترش بنیادگرایی اسلامی را ترویج می کند. ایران هراسی هدفی است که مقامات اسرائیلی بارها آن را تبلیغ کرده اند. اظهارات مبنی بر اینکه منافع جمهوری آذربایجان و اسرائیل به یکدیگر ناشی از ترس متقابل آنها از ایران است و یا ادعای تهدید موجودیت اسرائیل و جمهوری آذربایجان توسط ایران، این دو را به هم نزدیکتر کرده است. به گفته تل آویو، جمهوری اسلامی ایران از جنبش های اسلام گرایانه حمایت می کند که باید به طرق مختلف مانع از نفوذ آنها شود.

استراتژی ائتلاف غرب و رژیم صهیونیستی در جمهوری آذربایجان، راهبرد همه چیز در منطقه بدون حضور ایران» است و براین اساس تلاش دارند تا با طرح مسائلی واهی نظیر حمایت ایران از بنیادگرایی اسلامی، و تحریکات تروریستی، ذهنیت امنیتی را برای نخبگان سیاسی- راهبردی کشورهای قفقاز به وجود آورند؛ یعنی بر این که ایران به دنبال تغییر وضع موجود و بر هم زدن ثبات داخلی کشورهای قفقاز است. البته در این رابطه به نظر می‌رسد که بزرگنمایی تهدید بنیادگرایی اسلامی در کشور جمهوری آذربایجان به ویژه بعد از حادثه ۱۱ سپتامبر در جهت جلب نظر و حمایت آمریکا قرار گرفته است (کریمی ناوه‌کش و علیپور، ۱۳۹۳، ۳۸).

تل آویو به دنبال آن است که نفوذ جمهوری اسلامی ایران را هم از نظر نظامی و امنیتی و هم از نظر اقتصادی، فرهنگی و سیاسی از نظر سیاست کلان استراتژیک آمریکا یعنی «سیاست کوتاه برد» در قبال ایران به حداقل برساند. با توجه به سیاست های کشورهای قفقاز برای اتکا به قدرت سلطه، این امکان از نظر امنیتی - سیاسی وجود دارد که با افزایش حضور اسرائیل در آذربایجان، زمینه مساعدتری برای محدود کردن نفوذ جمهوری اسلامی در این کشور فراهم شود. از سوی دیگر، حضور امنیتی-سیاسی اسرائیل در آذربایجان منجر به ارتقای همکاری های امنیتی-نظامی و کمک های مالی، نفوذ در احزاب نخبگان سیاسی، طیفی از نخبگان سیاسی انحرافی از جمهوری اسلامی ایران شده است. در واقع نخبگان آذربایجان به دلیل تهدیدی که از سوی مخالفان داخلی و خارجی خود احساس می کنند، تلاش می کنند توسط اسرائیل به آمریکا نزدیک شوند. (کریمی ناوه کش و نظرپور، ۱۳۹۲، ۶۳-۶۲).

رژیم صهیونیستی با جمهوری اتحاد شوروی سابق روابط نظامی، امنیتی و اطلاعاتی را توسعه داده، در آسیای مرکزی شریک و همتای مشتاقی چون «ازبکستان» پیدا کرده، در قفقاز نزدیک ترین روابط نظامی و امنیتی را با آذربایجان داشته و ثابت کرده است که در جنگ خونین «قره‌باغ»، اسرائیل به آذربایجان تسلیحات می‌فروخته است. این جنگ باعث شد که ارتباط با رژیم صهیونیستی قوی تر از ایران شود؛ زیرا اسرائیل یک شریک راهبردی و حامی آذربایجان در جنگ قره‌باغ بود. این جنگ منجر به فرار یک میلیون آذری از ارمنستان شد.

توجه به سخنان الهام علی‌اف، رئیس‌جمهوری آذربایجان در سال ۲۰۱۹، ماهیت و ابعاد روابط رژیم صهیونیستی و آذربایجان را بهتر نشان می‌دهد. علی‌اف رابطه جمهوری آذربایجان و اسرائیل را مانند آیسبرگی (توده‌های عظیم یخی) می‌داند که فقط یک دهم آن قابل مشاهده است و نه دهم آن به صورت پنهانی می‌باشد. از این روست که روند همکاری های رژیم صهیونیستی و آذربایجان در حوزه دفاعی و امنیتی طی سال های اخیر بسیار فراتر از اهداف اعلامی دولت آذربایجان برای برقراری موازنه دفاعی و امنیتی با ارمنستان بر سر مساله مورد مناقشه قره‌باغ است و آشکارا امنیت ملی و سرزمینی ایران را نشانه گرفته است.

پیامدهای امنیتی و نظامی روابط اسرائیل با جمهوری آذربایجان بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران

همکاری های اطلاعاتی و امنیتی، اهمیت حیاتی در روابط جمهوری آذربایجان و اسرائیل برخوردار است. در اکتبر ۲۰۰۱ دیداری بین حیدر علی اف و سفیر وقت اسرائیل در جمهوری آذربایجان صورت گرفت و دو طرف تأکید کردند که مواضع شان در رابطه با گروه های تروریستی شبیه به هم است. مبادله اطلاعات، تجزیه و تحلیل اطلاعات از جمله اطلاعات ماهواره ای و آموزش سرویس های اطلاعاتی و امنیتی جمهوری آذربایجانی از جمله زمینه های همکاری های امنیتی دو کشور است. یکی از اولویت های اسرائیل در همکاری امنیتی با جمهوری آذربایجان، مبارزه با شبکه اطلاعاتی ایران در کشورهای تازه استقلال یافته آسیای مرکزی و قفقاز و به ویژه جمهوری آذربایجان عنوان شده

است. در سال ۲۰۰۷ مقامات جمهوری آذربایجان ادعا کردند ۱۵ نفر را که جاسوس ایران بوده‌اند و از فعالیت‌های اسرائیل و غرب اطلاعات جمع‌آوری می‌کردند، دستگیر کرده است. در مقابل، در فوریه ۲۰۱۲ ایران اعلام کرد جمهوری آذربایجان به عوامل سرویس‌های اطلاعاتی اسرائیل در کشور خود پناه داده است؛ افرادی که با گذر از مرز، وارد خاک ایران شده و دانشمندان هسته‌ای ایران را ترور کردند (جوادی ارجمند و دیگران، ۱۳۹۳، ۷۱).

به نظر می‌رسد هدف اصلی اسرائیل از همکاری اطلاعاتی و نظامی با باکو، نظارت و در نهایت ضربه زدن به برنامه‌های هسته‌ای و موشکی ایران باشد. پس از انقلاب اسلامی ایران روابط ایران و اسرائیل قطع شد و یکدیگر را در کشور دشمن می‌بینند و در این زمینه برنامه هسته‌ای و موشکی ایران به تنش‌ها و نگرانی‌های اسرائیل دامن زده است. شیمون پرز رئیس‌جمهور پیشین اسرائیل معتقد بود که اسرائیل از سوی هیچ کشوری غیر از ایران تهدید نمی‌شود. وی ایران را بزرگترین تهدید برای امنیت و موجودیت اسرائیل اعلام کرده است (جعفری ولدانی، ۱۳۸۲، ۸۴). بنابراین، اسرائیل با تمام توان در پی نابودی یا حداقل، متوقف کردن برنامه‌های هسته‌ای و موشکی ایران است؛ اقدامی که قبلاً در رابطه با کشورهای عراق و سوریه نیز انجام داده است. البته، ایران با کشورهای یادشده، هم به لحاظ توانایی پاسخ دادن به اقدام اسرائیل و هم به لحاظ مسافت تفاوت‌های اساسی دارد. در واقع، تأسیسات هسته‌ای ایران در فاصله دورتری از اسرائیل قرار دارند. این موضوعی است که اسرائیل را بیشتر به اجرای راهبرد پیرامونی ترغیب کرده است.

در این راستا، برخی از منابع، از ایجاد تأسیسات استراق سمع الکترونیکی اسرائیل در امتداد سواحل دریای خزر و مرزهای ایران خبر می‌دهند. سلطه اسرائیل بر یکی از مهم‌ترین و حساس‌ترین سیستم‌های ارتباطی جمهوری آذربایجان، یعنی «اپراتور تلفن همراه» این کشور که توسط شرکت اسرائیلی با کسل اداره می‌شود، زمینه فعالیت این رژیم را آسان‌تر کرده است. در اواسط سال ۲۰۱۲ مجله آمریکایی «فارین پالسی» گزارشی منتشر کرد مبنی بر اینکه جمهوری آذربایجان به اسرائیل اجازه دسترسی به پایگاه‌های هوایی خود را داده است. این ادعا، در صورت صحت، قدمی اساسی در رابطه با حمله احتمالی اسرائیل به تأسیسات هسته‌ای ایران به شمار می‌رفت. البته، هم مقامات جمهوری آذربایجان و هم مقامات اسرائیلی این موضوع را رد کردند. بنابراین، این احتمال وجود دارد که در صورت بالا گرفتن تنش بین ایران و اسرائیل، تل‌آویو تلاش کند از پایگاه‌های موجود در جمهوری آذربایجان برای ضربه زدن به تأسیسات هسته‌ای کشورمان استفاده کند. با این حال، فعلاً شواهد محکمی وجود ندارد مبنی بر اینکه باکو چنین اجازه‌ای به اسرائیل داده باشد (امیدی و خیری، ۱۳۹۵، ۱۵۰).

در رسانه‌های ایران نیز بحث‌های زیادی درباره جاسوسی اسرائیل علیه ایران از طریق جمهوری آذربایجان صورت گرفته است. در شهریور ۲۰۱۵ ایران پهپاد متعلق به اسرائیل را بر فراز نطنز مورد هدف قرار داد که رسانه‌ها مبدأ حرکت آن را منطقه نخجوان جمهوری آذربایجان اعلام کردند (خبرگزاری ایسنا، ۱۳۹۳).

از دید مقامات اسرائیل، برنامه هسته‌ای ایران نه تنها برای آن رژیم، بلکه برای کل منطقه خاورمیانه خطری جدی به شمار می‌رود. بنابراین، قبل از اقدامات شورای امنیت باید از کلیه روش‌ها برای ضربه زدن به این برنامه یا متوقف کردن آن استفاده شود؛ زیرا ایران دشمن شماره یک اسرائیل است. نمونه‌های بالا در این چارچوب قابل درک است.

راهبرد امنیت ملی اسرائیل، مبتنی بر جلوگیری از هسته‌ای شدن کشورهای خاورمیانه است. بنابراین، اسرائیل که ایران را به عنوان تهدید کننده اصلی امنیت ملی و موجودیت خود می‌داند، از هسته‌ای شدن ایران هراس دارد و حتی تهدید کرده که در صورت عدم اقدام جدی از سوی شورای امنیت در راستای جلوگیری از هسته‌ای شدن ایران،

تأسیسات هسته‌ای این کشور را مورد هدف قرار خواهد داد. علاوه بر این، حضور نظامی - امنیتی اسرائیل در جمهوری آذربایجان با توجه به تعارضات استراتژیک این رژیم با ایران، می‌تواند به تشدید فضای نظامی‌گری در منطقه منجر شود؛ که ضمن واگرایی سیاسی - امنیتی میان کشور جمهوری آذربایجان با جمهوری اسلامی ایران، محیط امنیتی پیرامونی ایران را ناامن کرده و باعث چالشی جدی برای امنیت ملی ایران می‌شود. از طرف دیگر، حضور اسرائیل ممکن است باعث بسترسازی حضور ناتو و آمریکا در قفقاز جنوبی شود، هر چند ناتو اعلام کرده است فعلاً قصدی برای همکاری با جمهوری آذربایجان ندارد، همه این موارد برای ایران تهدید است.

به طور کلی، جمهوری اسلامی ایران و رژیم صهیونیستی اگر چه هم مرز نیستند، اما در پرتو شرایط جغرافیایی، سیاسی و فرهنگی منطقه‌ای و به شیوه‌ای نیابتی، امکان نزدیکی جغرافیایی می‌یابند. این نزدیکی جغرافیایی اگر چه با واسطه صورت می‌گیرد، اما نقشی اساسی در تشدید تهدیدها و امکان بهره‌برداری ضد امنیتی از آن بسیار مقدور و ممکن است از جمله،

یک) باعث تقویت حضور نیروهای ناتو در جمهوری آذربایجان می‌گردد، تقویت نیروهای ناتو در این منطقه در راستای سیاست‌های بین‌المللی ایالات متحده و تامین منابع راهبردی این کشور است. این مسأله با توجه به راهبرد نظامی - امنیتی ایالات متحده که جمهوری اسلامی را بزرگ‌ترین تهدید برای منافع خود می‌داند، بسیار قابل توجه می‌باشد. نظر به هم سویی و هم‌گرایی نزدیک راهبردی - امنیتی رژیم صهیونیستی و ایالات متحده، حضور اسرائیل و ناتو باعث تقویت حضور متقابل شده که با توجه به ناهم سویی کلی این کشورها و رژیم صهیونیستی با منافع جمهوری اسلامی ایران و تشدید نظامی‌گری در محیط امنیتی ایران، باعث کاهش اثرگذاری جمهوری اسلامی ایران در این منطقه می‌گردد.

دو) ایجاد پایگاه‌های استراق سمع در منطقه به خصوص در کشور آذربایجان، امروزه کشورها برای افزایش سطح اثرگذاری راهبردی - امنیتی در عرصه تعاملات بین‌المللی می‌کوشند تا ظرفیت اثرگذاری اطلاعاتی - امنیتی خود را نسبت به محیط امنیتی کشورهای واگرا و رقیب سیاست‌گذاری خود افزایش دهند. اتخاذ این سیاست با هدف افزایش نفوذ راهبردی - امنیتی و ارتقای منافع ملی صورت می‌گیرد. تأسیس پایگاه رادار و سیستم جاسوسی الکترونیکی استراق سمع در امتداد دریای خزر و نزدیک مرزهای ایران در این راستا می‌باشد. همچنین اقدام برای ایجاد پایگاه‌هایی برای انجام عملیات هوایی علیه ایران در آذربایجان، قرار داد امنیتی اسرائیل - گرجستان در خصوص مبارزه با تروریسم و حضور ماموران امنیتی تل‌آویو در دره پانکیسی، و در سطح نازل‌تر مذاکرات مقامات امنیتی - اطلاعاتی اسرائیل و ارمنستان که نمونه‌ای از تمایل همکاری‌های امنیتی - اطلاعاتی طرفین را نشان می‌دهد. همچنین تسلط اسرائیل بر یکی از مهم‌ترین و حساس‌ترین سیستم‌های ارتباطی آذربایجان یعنی «اپراتور تلفن همراه» این کشور که توسط شرکت اسرائیلی «باکسل» اداره می‌شود، زمینه فعالیت این رژیم را آسان‌تر کرده است.

سه) افزایش حضور مستشاران نظامی رژیم صهیونیستی در آذربایجان، با تقویت بنیادگرایی اسلامی، همکاری‌های امنیتی میان سرویس‌های امنیتی - نظامی تل‌آویو با کشور آذربایجان افزایش یافته است. در طی سالهای اخیر مناسبات نظامی دو کشور به گونه‌ای پیش رفته است که تل‌آویو مشغول تجهیز و مدرنیزه کردن زیر ساخت‌های نظامی و دفاعی (امور سخت‌افزاری و نرم‌افزاری) آذربایجان می‌باشد. به هر ترتیب حضور نظامی - امنیتی اسرائیل در آذربایجان با توجه به تعارضات هویتی - ایدئولوژیکی و راهبردی می‌تواند به تشدید فضای نظامی‌گری در منطقه بینجامد که ضمن

واگرایی سیاسی - امنیتی میان آذربایجان با جمهوری اسلامی ایران، محیط امنیتی پیرامونی ایران را ناامن و باعث به چالش کشیده شدن امنیت ملی آن می‌گردد.



نتیجه گیری

رای باکو، داشتن رابطه سیاسی با اسرائیل مهم است. زیرا اسرائیل از موضع جمهوری آذربایجان در مناقشه قره باغ کوهستانی با ترکیه حمایت می‌کند. می‌توان گفت همکاری سیاسی جمهوری آذربایجان و اسرائیل از چند جهت حائز اهمیت است. ۱- افزایش همکاری اطلاعاتی با اسرائیل و دریافت فناوری های نظامی ۲- مدرن سازی نظامی جمهوری آذربایجان ۳- استفاده از نفوذ لابی های صهیونیستی و یهودی در آمریکا برای مقابله با لابی های ارمنی که علیه

جمهوری آذربایجان فعالیت می کنند. در راستای گسترش روابط سیاسی دو کشور سفرهای متعددی بین مقامات دو کشور انجام شده است.

باید گفت که حضور و نفوذ امنیتی- راهبردی و اقتصادی اسرائیل در جمهوری آذربایجان بر مبنای دکترین پیرامونی بن گوریون و خاورمیانه جدید شیمون پرز با هدف ارتقاء منافع مختلف این کشور و تحدید دامنه قدرت و تأثیرگذاری جمهوری اسلامی ایران در منطقه خاورمیانه و قفقاز به مثابه تهدیدی راهبردی برای این رژیم تقابلی آشکار با منافع و امنیت ملی ج.ا.ا. دارد. دور نگهداشتن ایران از منطقه‌ی طبیعی نفوذ خود که دارای پیوندهای ژئوکالچر، ژئواکونومیک و ژئوپلیتیک با آن است، بهره‌گیری از فرصت‌ها و موقعیت مختلف منطقه‌ای به عنوان امکانی برای ضربه زدن به این کشور از سوی اسرائیل، نظامی کردن منطقه و ایجاد ذهنیت منفی رهبران منطقه به اهداف و مطامع مختلف جمهوری اسلامی ایران دقیقاً مجموعه اقداماتی هستند که بصورت آشکار منافع و امنیت ملی ایران را هدف قرار می‌دهند. بنابراین، می‌توان گفت هر گونه افزایش قدرت تأثیرگذاری رژیم اسرائیل در جمهوری آذربایجان و تحت هر امکانی و با بهره‌گیری از هر شیوه‌ای و به هر میزانی، منجر به ایجاد تهدیدی علیه منافع و امنیت ملی ایران می‌گردد و بازی رقابتی برد- باخت را به نفع این رژیم رقم خواهد زد. با توجه به شرایط موجود است که حضور اسرائیل را در محیط امنیتی ایران و در منطقه‌ای که حوزه نفوذ سیاسی، اقتصادی و فرهنگی ایران و یا بخشی از آن بحساب می‌آید، عاملی تهدیدزا برای امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران محسوب می‌گردد. اقدامات برخی از کشورهای منطقه که روابط گسترده‌ای با رژیم اسرائیل دارند به نوعی عملی شدن برخی تهدیدات برآمده از وضعیتی است که از دهه‌ی ۱۹۹۰ در این منطقه روی داده است. از سوی دیگر، اسرائیل در بعد فرهنگی و اجتماعی در روابط خود با جمهوری آذربایجان در صدد تضعیف اسلام‌گرایی و همچنین تقویت نفوذ و بسط قدرت یهودیان می‌باشد. این راهبردها نیز می‌تواند تهدیدی جدی علیه امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران باشد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع

افشردی، محمد حسین. ۱۳۸۱. ژئوپلیتیک قفقاز و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران. تهران: انتشارات دوره عالی جنگ سپاه.

امیدی، علی و مصطفی خیری. ۱۳۹۵. تأثیر روابط جمهوری آذربایجان و اسرائیل بر امنیت ملی ایران. فصلنامه مطالعات راهبردی. سال نوزدهم، شماره ۳.

برچیل، اسکات و اندرو لینکلتر. ۱۳۹۵. نظریه های روابط بین الملل. تهران: نشر میزان.

جعفری ولدانی، اصغر (۱۳۸۲). روابط خارجی ایران بعد از انقلاب اسلامی، تهران: آوای نور.

جوادی ارجمند، محمدجواد و دیگران. ۱۳۹۳. بررسی علتهای سردی روابط ایران و جمهوری آذربایجان. فصلنامه مطالعات اوراسیای مرکزی. دوره ۷، شماره ۱.

دهشیار، حسین. ۱۳۹۱. سیاست خارجی آمریکا، خاورمیانه و دموکراسی. تهران: خط سوم.

رفعت نژاد، صمد و دیگران. ۱۳۹۴. زمینه های راهبردی حضور رژیم صهیونیستی در جمهوری آذربایجان. فصلنامه راهبرد دفاعی. سال سیزدهم، شماره ۵۲.

فیروزی، علی. ۱۳۹۰. گسترش روابط جمهوری آذربایجان و رژیم صهیونیستی با تأکید بر انرژی. فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز. شماره ۷۳.

کریمی ناوه کش، محسن و عباس علیپور. ۱۳۹۳. نفوذ ژئوپلیتیکی رژیم صهیونیستی در جمهوری آذربایجان و تاثیر آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران. فصلنامه علمی - تخصصی پژوهش های سیاسی. سال پنجم، شماره ۱۴.

کولایی، الهه و حبیب رضازاده. ۱۳۹۲. نقش ایران در گسترش روابط جمهوری آذربایجان و اسرائیل. پژوهش های روابط بین الملل. دوره ۱، شماره ۱۰.

محمدی الموتی، محسن. ۱۳۸۵. عوامل تأثیرگذار بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در تعیین رژیم حقوقی دریای خزر. فصلنامه دین و سیاست، شماره ۱

مصلی نژاد، عباس. ۱۳۹۰. مجموعه مقالات همایش سیاست خارجی ایران در خاورمیانه. تهران: دانشگاه تهران.

سایت ها و خبرگزاری ها:

دویچه وله، ۲۰۲۰

www.jinsa.org

خبرگزاری ایسنا، (۱۳۹۳).

منابع انگلیسی

Aras, Bülent. (۱۹۹۸). Post-Cold War Realities: Israel's Strategy in Azerbaijan and Central Asia, Middle East Policy. Vol. ۵, No. ۴.

Frenkel, Sheera (۲۰۱۲), "Whats the Israel-Azerbaijan Connection?", McClatchy Newspapers, April ۲۶.

